



ضعیف بودن فرهنگ گفتگو نهاد خانواده را تهدید می‌کند

ستادیار دانشگاه الزهرا(س) باتأکید بر محدود شدن ارتباط چهره به چهره اعضای خانواده این موضوع را عامل کم‌رنگ شدن فرهنگ گفتگو دانست و گفت: ضعیف بودن فرهنگ گفتگو، نهاد خانواده را تهدید می‌کند.

ستادیار دانشگاه الزهرا(س) باتأکید بر محدود شدن ارتباط چهره به چهره اعضای خانواده این موضوع را عامل کم‌رنگ شدن فرهنگ گفتگو دانست و گفت: ضعیف بودن فرهنگ گفتگو، نهاد خانواده را تهدید می‌کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، در ادامه واکاوی و ریشه‌یابی مشکلات و معضلات نهاد خانواده در ایران و بررسی چالش‌ها و عوامل تهدیدکننده این نهاد مقدس و راه‌های مقابله با آسیب‌هایی که متوجه این نهاد است، مرکز خبر شورای عالی انقلاب فرهنگی به گفتگو با مریم بناهان قمی، استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا(س) پرداخته که مشروح این گفتگو را در ادامه می‌خوانید؛

بناهان با تأکید بر محدود شدن ارتباط چهره به چهره اعضای خانواده‌ها به عوامل مختلف این موضوع را عامل کم‌رنگ شدن بیش از پیش فرهنگ گفتگویی می‌داند که اصولاً به شکل صحیح آموخته نشده است. او از همین ناحیه آسیب‌هایی را متوجه خانواده می‌بیند.

***مهمترین آسیبی که در حال حاضر متوجه نهاد خانواده در جامعه ایرانی می‌دانید چه آسیبی است؟**

با توجه به این که خانواده نهاد اصلی و بنیانی در هر جامعه‌ای است، چیزی که در حال حاضر در اجتماع ما توجه را جلب می‌کند این است که به دلیل مشغله‌های اعضای خانواده، اعم از مشغله‌های اقتصادی، یا مشغولیت به فضای مجازی یا مشکلات دیگر از این دست، امکان روبرو شدن آن‌ها با هم خیلی کم و ارتباط چهره به چهره افراد خانواده، حتی در محیطی که با همدیگرند، کم‌رنگ شده است.

این در حالی است که به نظر من آنچه می‌تواند تحکیم‌بخش ارتباط خانوادگی، چه میان همسران و چه میان والدین و فرزندان، باشد و وضعیت مناسب این نهاد را به آن بازگرداند توجه به گفتگو است. آن چه در حال حاضر می‌بینیم این است که گفتگو میان اعضای خانواده بسیار کم شده است.

البته فراتر از این باید از این آسیب نیز سخن گفت که اصولاً فرهنگ گفتگو و گفتگوی صحیح آموخته نشده است. بسیاری از اوقات که ما اعضای خانواده‌ها را به گفتگو و صحبت با یکدیگر دعوت می‌کنیم، چه گفتگو میان همسران و چه میان والدین و فرزندان، پاسخی که دریافت می‌کنیم این است که ما حرف هم را نمی‌فهمیم و گفتگوهای ما به جر و بحث ختم می‌شود و ترجیح می‌دهیم که گفتگویی نباشد.

***آیا به نظر شما این یک آسیب فراگیر در جامعه است؛ به نحوی که می‌توان آن را یک تهدید برای نهاد خانواده در جامعه ایرانی دانست؟**

این آسیب تقریباً دارد به شکل‌های مختلفی فراگیر می‌شود. ما می‌بینیم که این موضوع حتی در خانواده‌هایی که تا اندازه‌ای توانسته‌اند قالب سنتی خود را حفظ کنند رسوخ کرده است؛ چه رسد به خانواده‌هایی که اساساً فضای‌شان تحت الشعاع وضعیت کنونی و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است.

خانواده‌هایی که در آنها فاصله سنی پدر و مادر و فرزندان فاصله معقولی است و برای مثال مادر 25 سال یا کمتر با فرزند نخستش فاصله دارد و به فرض باید بتوانند به نسبت کسانی که فاصله سنی بیشتری دارند، راحت‌تر وارد گفتگو شوند و گفتگوی بیشتری داشته باشند به عینه شاهد هستیم که نحوه گفتگو دارد تحت الشعاع قرار می‌گیرد و این معضل بزرگی است. شما فرض کنید اگر همین مشکل را در ازدواج‌های دیر هنگام و همراه با تأخیر در فرزندآوری داشته باشیم، مسئله به چه نحو خواهد بود. اگر قرار بر پیش رفتن به همین شیوه باشد شرایط برای حتی تبادل نظر میان دو نسل بسیار دشوار و امکان آن محدود خواهد شد.

***آیا عامل عمده در شیوع این وضعیت را فضای مجازی می‌دانید یا عوامل مؤثر دیگری را هم دخیل می‌دانید؟**

یکی از مهمترین عوامل جایگزین شدن ارتباط مجازی با ارتباط رو در رو است. البته نمی‌خواهم سهمی مطلق به این موضوع بدهم اما جامعه ما دارد به سمتی پیش می‌رود که به طور ضمنی ارتباط چهره به چهره و گفتگو از این طریق با ارتباطات مجازی جایگزین و ارتباطات خانوادگی کم می‌شود و همین موضوع خود مجدداً به محدودتر و کم‌رنگ‌تر شدن زمینه‌های گفتگو می‌انجامد.

در کنار این عامل، البته عوامل دیگری مانند در اولویت قرار گرفتن اشتغال خانم‌ها و تمایل آن‌ها به داشتن منبع مالی و درآمدی مجزا و مستقل نیز مؤثر است. اشتغال بانوان باعث شده که آن‌ها زود از خانه بیرون بروند و دیر برگردند و وقتی هم به خانه برمی‌گردند به دلیل خستگی مفرط و جنجال‌هایی که در محیط کار داشته‌اند احتمالاً تمایل چندانی به صحبت کردن نداشته باشند. خستگی خانم‌ها مانع از این می‌شود که بخواهند با خانواده وارد گفتگو شوند و یا اصلاً با خویشاوندان ارتباط داشته باشند. این در حالی است که در ارتباطات نزدیک خویشاوندی است که گفتگو اتفاق می‌افتد و زمینه‌های آن تقویت می‌شود.

همچنین ما در حال حاضر شاهد عدم تمایل به ازدواج در میان جوانان به خصوص پسران هستیم و دختران هم با مشکلات مختلفی در این رابطه مواجه‌اند. این موضوع علاوه بر این که خود زمینه سست شدن نهاد خانواده را فراهم می‌کند تا حدی ناشی از ناتوانی در رسیدن به تفاهم است. سخنی که ما معمولاً از این جوانان می‌شنویم این است که ما وقتی با کسی به عنوان مورد ازدواج مواجه می‌شویم می‌بینیم که نقطه اشتراکی برای تفاهم نداریم. یکی از عواملی که می‌تواند در اینجا مانع باشد شیوه نادرست گفتگو است؛ یعنی مسیر حصول مفاهیم در گفتگو درست طی نمی‌شود و در نتیجه این احساس پدید می‌آید که دو طرف هیچ نقطه مشترکی با هم برای تفاهم ندارند.

حتی در مراحل پس از ازدواج نیز یکی از دلایل ضعیف شدن پیوند در درون خانواده و طلاق عاطفی همین ناتوانی در رسیدن به مفاهیم است. این هم احتمالاً به دلیل ضعیف بودن فرهنگ گفتگو است و این که شخص بتواند نیازهای درونی خود را بدون ابهام و به شیوه درست مطرح کند.

*در ادامه همین اشاره اخیر، بفرمایید گفتگویی که مورد نظر شماست چه ویژگی‌ها و مختصات باید داشته باشد؟

طبیعتاً هر بحث و صحبت دو نفره را نمی‌توان گفتگویی دانست که ما نگران کم‌رنگ شدن‌اش در خانواده هستیم. این گفتگو اساساً با سخن گفتن دو نفره که گاهی وقت‌ها مخصوصاً در فضای خانواده به کشمکش‌های کلامی و جر و بحث منجر می‌شود تفاوت دارد. گفتگو یعنی این که من تحمل شنیدن نظر مخالف را در خود بالا ببرم و بعد به سخن گفتن با او وارد شوم. همچنین قصد من باید این باشد که مشکل و مسئله‌ای را برطرف کنم و یا قرار بر این باشد که با طرف مقابل به یک نقطه مشترک برسیم. در نتیجه اگر چنین قصدی دارم به شیوه‌ای سخن می‌گویم که نشان دهنده این است که صد در صد به دنبال رفع ابهام هستم و نه به دنبال ایراد گرفتن از طرف مقابل یا یافتن نکته‌ای در سخنان او و کوبیدن و نفی او با همان نکته.

بنابراین در صورتی اعضای خانواده در حال گفتگو با هم خواهند بود که در این مورد صحبت کنند که چگونه مشکل و معضلی را که با آن درگیر هستند برطرف کنند، منتظر شنیدن نظر مقابل و تحمل شنیدن حرف مخالف و انتقادآمیز را نیز داشته باشند و تمام تلاش‌شان بر این باشد سوءظن یا سوء تفاهم یا عدم تفاهمی را که وجود دارد برطرف کنند. بسیاری از اوقات اصل مسئله روشن نیست و به همین خاطر در خانواده اختلاف پیش می‌آید و باید برای روشن شدن اصل مسئله نیز گفتگوی سازنده‌ای اتفاق بیفتد. در مجموع وقتی دو نفر کامل و درست سخن یکدیگر را بشنوند و بفهمند زمینه‌های زیادی برای تفاهم و رفتارهای عاطفی مثبت در خانواده پدید می‌آید و دریافت می‌شود.

*به نظر شما این شیوه گفتگو را چگونه می‌توان در سطح اجتماع و به طور خاص در خانواده‌ها نهادینه کرد؟

باید فرهنگ گفتگو را برای جوانان روشن کرد و آنها را به این سمت سوق داد. آموزش و برگزاری جلساتی در محیط‌های فرهنگی مانند مدارس و دانشگاه‌ها در مورد این که چگونه می‌توان به مفاهیم رسید و در گفتگو به چه نکاتی باید توجه شود می‌تواند مناسب باشد.

رسانه‌ها نیز می‌توانند در این زمینه نقش بسیار مؤثر و مثبتی داشته باشند. به عنوان مثال فیلم‌ها و سریال‌ها و دیگر برنامه‌های تولیدی رسانه‌ها می‌توانند شیوه‌های گفتگو و وقت گذاشتن برای همدیگر، برای ارتباط چهره به چهره و برای در کنار هم نشستن و از عواطف هم استفاده کردن در حین گفتگو را ترویج بدهند.

آموزش ضمنی چنین مواردی گاه مؤثرتر است؛ چرا که تأثیرگذاری این نوع آموزش به جهت عینی بودن‌اش و این که توجه فرد

به صورتی طبیعی به آن جلب می‌شود و او می‌تواند نیاز خود را دقیقاً در آن بیابد عمیق‌تر خواهد بود.

در هر صورت این موضوع در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد و چه از طریق مقالات صاحب‌نظران و چه از طریق سخنرانی افرادی که بیان شیوا و قدرت جذب جوانان را دارند بر این موضوع باید تأکید شود که پیش از تشکیل خانواده افراد باید مهارت گوش کردن و شنیدن سخن طرف مقابل را در خود ایجاد کنند و بعد زیر سقفی بروند که لازمه آن ارتباط کلامی، ارتباط چهره به چهره و ارتباط عاطفی با همدیگر است.